

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شفیع خالقی

۰۴ اکتوبر ۲۰۱۵

مردم باید صفوف خود را از جنایتکاران پاک نمایند!

ملت غیور و با شهامت افغانستان زمان آن رسیده که ملت صفش را از صف جنایتکاران، خائنان ملی و مزدوران اجنبی، وطن و ناموس فروشان هفت ثوری و هشت ثوری، تنظیم های هفتگانه پشاور و هشتگانه ایرانی، اراذل و اوباش های بی بند و بار، قاب شوها و سگ شوهای غربی، کمیشن کاران "شورای ملی"، "غلمان های بهشتی" و "داعش های سلفی" جدا نمایند. حد اقل با در نظر داشت چهار دهه جنگ، جنایت، قتل و کشتار مردم بیگناه، چور و چپاول دارائی عامه و سرمایه ملی، تجاوز به ناموس مردم و به صد ها جنایت نا بخشیدنی دیگر که در حق مردم روا داشتند که تا کنون ادامه دارد. باید مردم این را درک کرده باشند که جنایتکاران با بلند نمودن شعار های قومگرایی، منطقه گرایی، سمت گرایی، مذهب گرایی و جهاد برای رضای خدا و دین اسلام، از بین توده های میلیونی، به خاطر اعمال شومشان سربازگیری کردند. هیچ جنایتکاری نمی تواند به تنهایی بالای مردم حکمرانی و باج گیری نماید. اگر به رژیم کودتا و جنایتکاران شرف باخته هفت ثوری نظر اندازی کنیم دیده می شود که جنایتکاران هفت ثوری تماماً مواد سوخت نیروی بشری شان را جهت تحرک دستگاه جهنمی کودتای هفت ثور، از بین توده ها تهیه و سربازگیری نمودند. هزاران کشته، ده ها هزار معیوب، ده ها هزار بیوه، ده ها هزار یتیم و صد ها هزار هموطن آواره از بی بضاعت ترین و بی دفاع ترین خانواده ها و فامیلهها سربازگیری نمودند.

این کشته ها، معیوبان، بیوه ها، یتیم ها و هموطنان آواره ما که تعداد کثیر آن در کشورهای پاکستان و ایران در شرایط بسیار نا مناسب و غیر انسانی تا کنون شب را سحرمی نمایند و درگذشته نیروی محرک رژیم کودتا و پرتو افشان هر مارش، رژه و تظاهراتی بودند. هورا، هورا گفته دانسته و نا دانسته درسرها و کوچها به خاطر منافع جنایتکاران به جان هم می افتیدند و سراز پا نمی شناختند. اما زمامداران جنایتکار و شرف باخته هفت ثوری در قصرهای مجلل و موترهای لوکس مصروف شراب خوری، عیاشی، وطن فروشی، باند سازی و قدرت نمائی بودند. اکنون زمامداران جنایتکاران و شرف باخته هفت ثوری با دزدی سرمایه های هنگفت ملی و جاسوسی برای کشور های غربی و تن دادن به هر نوع ذلت در کشورهای غربی به زندگی ننگین با فامیل هایشان در زیر چتر و حمایت سازمانهای استخباراتی فارغ از هراس محاکمه و حسابدهی، مصروف پیک جنگی ها و عربده بازی های سیاسی اند. در حالی که بیوه ها، معیوبان و یتیم های هفت ثوری برای پیدا نمودن لقمه نانی سوخته احتیاج است و محل دفن میت و تاریخ کشته شدگان نشان معلوم نیست اعضای فامیل شان نمی دانند که در کدام تاریخ کشته و میتش در کجا دفن است. علت آن هم این بود که تعدادی از هموطنان ما بنا بر معاذیر صف خود را از جنایتکاران هفت ثوری جدا نکرده بودند.

با دست به دست شدن قدرت به شکل مفتضحانه و دراماتیک از هفت ثوری ها جنایتکاران شرف باخته، برای تداوم جنایت در افغانستان به هشت ثوری های جنایتکار ارادل و اوباش های بی بند بار، خائن ملی و مزدوران اجنبی و ریختن آنها به کوچه ها و سرکها، تأسیسات عامه، ادارات دولتی و اماکن ملی باقیمانده از جنایتکاران شرف باخته هفت ثوری، به یغما و غارت برده شد. **نا گفته نباید گذاشت که هشت ثوری ها را سازمانهای استخباراتی منطقه با حمایت امپریالیسم خون آشام امریکا و متحدینش در بخش چور، غارتگری، جنایتکاری، قتل افراد بیگناه و تحصیل کرده، تجاوز به ناموس مردم، مال مردم، دارائی های عامه، غارتگری و به یغما بردن جبهات مقاومت مردمی و جنبش آزادیبخش میهنی مردم افغانستان و تضعیف جبهات، تربیه و با این سلاح از نظرایدئولوژیک تجهیز کردند و تجارب کافی در غارتگری و جنایتکاری را حتا در داخل برخی از جبهات مقاومت مردمی و جنبش آزادیبخش میهنی مردم افغانستان کسب نموده بودند.** این یغما و غارت زمانی به اوج خود رسید که گله های کفتار در هفت بسته جداگانه از مرزهای شرقی، گله های گرگ در هشت بسته جداگانه از مرزهای غربی و توله گله های سگ های باقیمانده از زاد و ولد روس اشغالگر از شمال در کابل ریختند و هریک سعی و تلاش داشتند تا تجارب جنایتکاری **شان را برای مردم بی دفاع ما و باداران شان به نمایش بگذارند و یغما و غارت بیشتر نمایند.**

این کفتارهای شرقی، گرگ ها غربی و توله سگ های شمالی به خاطر غارت بیشتر و ویرانی کابل و نمایش قدرت، در حالی که ساطور جنایات رژیم کودتای هفت ثور، فغان و ناله مردم را در سرتا سر افغانستان به آسمان کشیده بود، در تبنای با هم از سلاحهای کهنه سمت گرائی، قوم گرائی، منطقه گرائی و دین پناهی و مذهب نمائی استفاده کرده، تحت شعار الله اکبر و جهاد به رضای خدا، بنا بر جو حاکم و عقب ماندگی جامعه، در صفوف مردم خزیدند و تا توانستند از هموطنان بی بضاعت و متفرق ما جهت نمایش قدرت و غارت دارائی های عامه و سرمایه ملی سر بازگیری کردند. رهبران و قومندان های کثیف شان به افزودن سرمایه های میلیون دالری، ساختن قصرهای ملکوتی، جاسوسی برای سازمانهای استخباراتی امریکا و متحدینش، عیاشی و پیک جنگیها، بچه بازی، افزودن به تعداد زوجات، سرمایه گذاری در خارج از افغانستان، تخریب تمامی زیربنای های اقتصادی و تأسیسات عام المنفعه، غصب هزاران هکتار زمین ملکیت عامه، راه اندازی وشعله ور ساختن جنگهای تنظیمی، قومی، نژادی، مذهبی، سمتی و هزاران جنایت نابخشیدنی دیگر را در حق مردم و جغرافیای افغانستان انجام داده اند.

اگر دقیق شویم دیده می شود که باز هم مانند زمان هفت ثوریهای جنایتکار و شرف باخته به ده ها هزار کشته، معیوب، بیوه، یتیم و لکها هموطن ما آواره در کشورهای همسایه، از بی بضاعت ترین قشر جامعه قربانی حفظ و بقای این جنایتکاران، وطن فروشان، جواسیس و خائنان ملی شده اند. **و این جنایات در تداوم جنایات هفت ثوری های جنایتکار و شرف باخته تا کنون ادامه دارد.**

از جمله عوامل متعدد تداوم این جنایات می توان گفت که خزیدن جنایتکاران در صف مردم بی دفاع و عدم آگاهی و درک سیاسی و شناخت دقیق از جنایتکاران، غفلت و کم توجهی روشنفکران، سازمانهای ملی، نهاد های ملی و دگراندیشان ترفیخواه غیر وابسته به باند های جنایتکار از جمله عوامل متعددیست که باعث و موجب این همه کشتارها، خونریزی ها، بدبختی ها و جنایات گردیده است. و افراد بی بند و بار، ارادل، اوباشها، لومپنها، زدهای سرگردنه، چلی ها و مفتخواران مذهبی، ولد زنا های "ظاهر کل" به دلالتی رحیم مشهور به غلام بچه، بچه بیریش ها و لاغرزنها، ... برای خود القاب و پیشوند ها و پسوند های چون رهبر، آمر، امیر، مارشال، قهرمان ملی، قومندان، پروفیسور، مهندس، دکتر، ... را بالای مردم تحمیل و تبلیغ نمایند.

امپریالیسم خون آشام امریکا به همیاری استخبارات دولت های ارتجاعی منطقه و متحدینش با درک وخیم شدن اوضاع و هراس از دست رفتن شکار لذیذش، از ورقهای ذخیره ئی بازی که در خارج از مرز ها تربیه و تجهیز شده بودند،

استفاده نموده و تحت نام طلبه کرام "غلمان های بهشتی" را به قیادت نصیرالله بابر (یکتن از اعضای کلیدی سازمان استخباراتی پاکستان آئی . اس . آئی) از طریق مرز سپین بولدک با پلان طراحی شده قبلی جهت حفظ منافع امریکا تحت روکش امارت اسلامی، به داخل افغانستان اعزام کرد.

و مزدوران جنایتکار هشت ثوری خویش را هدایت داد تا به موقعیت های قبلی شان در مغاره ها و کولاب در مرزهای شمال من حیث نیروی ذخیره برای روز مبادا بر گردند.

این غلمان های بهشتی با چهره های اراسته به گیسوان، چشمان سرمه کرده، دستارهای سیاه و سفید، لباسهای محلی افغانی با استفاده از نوع عطر مخصوص گلاب و مست در نشئه بنگ و چرس که تعداد زیادی از آنها از جمله اعضای نظامی باند وطن فروش حزب منفور خلق بودند. در ظاهر رهبر این گروه را افراد گمنام چون ملا عمر معرفی نمودند، اما لجام و افسار آن در دست سازمان استخبارات پاکستان آئی.اس.آی بود. در قدم اول این گروه به خاطر تطبیق پروژه امریکای خون آشام و پلانهای شوم آن به یکرنگ سازی جامعه اقدام نمودند، تا هویت اصلی خودشان در بین مردم افشاء نشود. این امر را از ولایات قندهار، هلمند، ارزگان و زابل شروع و در تمام قلمرو شان عملی نمودند. ظاهراً تحت عملی نمودن همین برنامه همه مرد ها از نوجوانان گرفته تا مردهای کهن سال ریش و دستار جبری، زنها همه برقع و چادری جبری، حاضری نمازهای پنجگانه در مساجد، باز گذاشتن دکانها در وقت نماز، منع دزدی، منع شراب نوشی، منع گشت و گذار زنها بدون محرم، مسدود نمودن مکاتب، تأمین امنیت نسبی در ساحه قلمرو شان از جمله اقداماتی بود که زمینه ساز خیزدن این غلمان های بهشتی در صف مردم و توده ها شد. به علاوه جو حاکم در جامعه که از اثر رقابت های نا سالم تنظیم های جنایتکار و مزدوران هشت ثوری شرف باخته به وجود آمده بود و دریدن و حشیانه مردم مانند رمه های گوسفند بدون چوپان توسط کفتار ها شرقی، گرگ های غربی و توله سگهای شمالی عرصه زندگی را بالای مردم و توده های بی دفاع و بی گناه به جهنم مبدل ساخته بودند. از این رو مردم و به خصوص عوام الناس فکر می کردند که این غلمان های بهشتی ناجی و فرشته های نجات هستند.

بعد از خیزدن در صف مردم غلمان های بهشتی شروع به تصفیه و ایجاد ترس و ارباب در بین مردم کردند. از دست بریدنها، سنگسار کردن ها، اعدام ها به شیوه ناب محمدی، نسل کشی ها، تا تبدیل تاکستان ها و قریه جات به زمینهای سوخته و عاری از سکنه از جمله پلانهای بود که امریکای خون آشام می خواست به همیاری مزدورانش، در افغانستان تطبیق و زمینه اشغالش را فراهم سازد.

امپریالیسم خون آشام امریکا و متحدینش با درک این که فرصت به دست آمده توسط مزدوران خودش از دستش نرود، با طرح دراماتیک و مضحک، پروژه تعویض مزدوران خویش را توسط بمب افکنهای (بی ۵۲) در ظرف ۲۴ ساعت عملی نمود. مزدوران وحشی، جنایتکار و غلمان های بهشتی خود را هدایت داد تا بدون مقاومت شهر را ترک و به صفت نیروهای ذخیره در پایگاه های قبلی شان خارج از مرزها و در مناطق قبایلی برگردند.

امپریالیسم خون آشام امریکا این بار از نیروها و افراد ذلیل که در خارج از مرزهای افغانستان مصروف جاسوسی سازمانهای استخباراتی غرب بودند و اکثریت شان از جمله رهبران، قومندانها و اعضای باند ها و تنظیم های هفت ثوری جنایتکار شرف باخته و هشت ثوری های جنایتکار ارادل و اوباشهای بی بند و بار، دزدان و غارتگران سرمایه های ملی و قاتلان مردم هستند، استفاده ایزاری نموده آنها را تحت نام تکنوکرات های افغان مقیم غرب در پیامد کنفرانس ننگین بن به سرباندی مداری (شعبده باز) مشهور کرسی توظیف به تطبیق پروژه هایش نمود. در حالی که تعداد زیاد این تکنوکرات ها همان دزدان دارائی های عامه، جنایتکاران و آدم کشان، جواسیس و مزدوران کشورهای غربی، قاب شو ها و سگ شوهایی بودند که در پیوند ناگسستنی با تبار هفت ثوری ها و هشت ثوری های جنایتکار و مزدور خویش بودند. در حالی که این دزدان و جنایتکاران در پشی پوش نکتائی دار تحت نام تکنوکرات های افغان با امتیازات گراف

دالری که شمه ای درک از تخصص، کارشناس فنی، داکتر، انجنیر، اقتصاد دان، سیاستمدار، و... را نداشتند. با القاب ساخته و پرداخته شده چون دکترا، آکادمیسین، متخصص ارشد، پروفیسور، پوهاند توسط امریکای خون آشام و متحدین غربی اش بالای مردم جبراً تحمیل شد.

کرزی مداری (شعبده باز) همراه با تیم دزد و جنایتکارش با استفاده از فرصت مساعد ساخته شده توسط امریکای خون آشام و متحدین غربی اش طی بیشتر از سیزده سال حکومت در تبنانی با گفتارهای شرقی، گرک های غربی، توله سگ های شمالی و غلمان های بهشتی تا توانستند خون مردم را مکینند، معادن احجار کریمه و سنگهای قیمتی را به یغما بردند، تصدی ها و بقایای تأسیسات دولتی و عام المنفعه را تاراج کردند، فساد اجتماعی، اخلاقی، اداری و ترویج فحشاء را به اوجش رسانیدند. رشوه خوری، حق تلفی، بی عدالتی، قوم گرایی، سمت گرایی، دین پناهی، باند بازی، انفجار، انتحار، ایجاد باند های مافیائی مواد مخدر و غضب هزاران هکتار زمین از جمله شاهکارهای شعبده باز مشهورکرزی مداری می باشد. که از اثر آن مردم افغانستان تا گلو در قرض غرق و سند قباله و قولنامه فروش وطن را برای امپریالیسم خون آشام امریکای تسجیل کرد. به عکس دوره های گذشته با ایجاد جومجازی که جزء پروژه امپریالیسم خون آشام امریکا بود. تعداد مردم کم سواد و عوام الناس به شمول عده ای از جوانان نا آگاه و بی اطلاع از گذشته جنایات و عوام فریبی، جنایتکاران هفت ثوری و هشت ثوری تحت تبلیغات شعار های عوامفریبانه و سرازیر شدن میلیارد ها دالر بی پشتوانه به صفوف این جنایتکاران ودلالان ناموسفروش و وطنفروش خزیدند و باعث تقویت جنایتکاران و باندهای مافیائی و تزئید چوروچپاول دارای های عامه، حق تلفی، بیعدالتی، فساداجتماعی، فساداداری، فساداخلاقی و ترویج فحشاء، رشوه خوری، کشت و ترافیک مواد مخدر، غضب هزاران هکتار زمین ملکیت عامه، چورمعادن احجارکریمه وسنگ های قیمتی، اختطاف، انفجار، و... گردیدند. خلاف عوام مردم، جنایتکاران، دلالان ناموسفروش و وطنفروش، تکنوکراتهای قلابی، دزدان، ارادل و اوباشان صاحب سرمایه های میلیون دالری درداخل و خارج، با القاب ساختگی وقلابی چون پروفیسور، داکتر، انجنیر، امیر، آمر، مارشال، شترجنرال، قهرمان ملی، رهبرمردم، کارشناس امورنظامی، کارشناس امورسیاسی، کارشناس اموراتقصادی و... غیره شدند.

حوادث اخیردرشمال به خصوص دربدخشان و قندوز یک بار دیگر نشان داد که امپریالیسم امریکای خون آشام و متحدین غربی اش درپی تأمین منافع ستراتیژیکی شان می باشند و حاضر هستند که هر نوع معامله جنایتکارانه، تا سرحد کشتار وحشیانه و ریختن خون هزاران انسان بیگناه افغان را انجام دهند. سقوط دراماتیک قندوز و در پی آن چور و چپاول دارائی های مردم بیگناه، تجاوزبه ناموس مردم، غارت دارائی های عامه و هزاران جنایت نابخشودنی دیگرهمراه با ریختن باندهای جنایتکار و اوباشان گفتارهای شرقی، گرک های غربی، توله سگ های شمالی و غلمان های بهشتی را درسرکها ومحلات تحت سیطره شان تأئید وتسجیل نمود.

باز هم دیده می شود که قربانی اصلی این حوادث مردم بیگناه ساکن درجغرافیای افغانستان ازتمام اقوام پشتون، تاجیک، ازبک، هزاره، ترکمن، ایماق،... می باشد و نفع آن به باندهای جنایتکار و فرصت طلب می رسد. بازهمان امریکای اشغالگر و قوت های نظامی اش بادیست پرورده های بومی اش چون باندهای جمعیت جنایتکار، شورای دزدهای سرگردنه، سیافی های لوطی، "غولبدین" های ابلیس، توله سگهایی چون امان گذر، عطا محمد، الماس کمیشن کار، یتیم بچه ربانی فرزند صدیق آی. اس. آی پاکستان، شونیست های هلتری افغان ملتی چون یون، احدی، شونیست های چنگیزی چون خلیلی، محقق و امثالهم گرداننده و محرک اصلی این جنایات می باشند و زیادترین سود را ازین جنایت به دست آورده اند و می آورند.

آری هموطن گرانقدرواسیرگرفته شده وقت آن رسیده که صفوف خودرا از صفوف جنایتکاران پاک نمایم و بیشتر از این هیزم سوخت جنایات، باندهای جنایتکارونیروهای خصم نشویم.

وظیفه هر فرد روشن ضمیر و آگاه است که درین راستا مردم را یاری رساند. به خصوص روشنفکران، سازمانها، احزاب غیر وابسته و ملی که به خاطر آرمان والای انسانی قربانی و خونهای زیادی داده اند. این گله های کفتار، گرکها و توله سگها بودند که نه تنها دارائی های عامه و مردم را به یغما بردند بلکه مبارزات به حق آزادیخواهانه مردم در مقابل روس اشغالگر را نیز به یغما بردند. صدیق ترین، پاک ترین و با احساس ترین فرزندان این مرز و بوم را به شکل بسیار فجیع و فاجعه آمیز از صحنه های نبرد مسلحانه و سنگرهای داغ مهین، بنابر ماهیت ارتجاعی و منافع امپریالیستی بادران شان، حذف و نابود کردند. جبهات نبرد آزادیبخش مردم افغانستان رابه جبهات سازش کار و مزدوران اجنبی تبدیل نموده و پست ترین اعمال را در حق مردم و جنبش آزادیبخش مردم افغانستان انجام داده و تاکنون ادامه دارد.

آری هموطن گرانقدر و اسیر گرفته شده از همین اکنون می توان صفوف خود را از صفوف جنایتکاران پاک نمود بدون آن که ضرر یا خطری رامتقبل شویم:

-تحریم و تقبیح: روزهای مناسبی که از طرف دولت مزدورو "حشت ملی"، باندهای جنایتکار، قلدرها، دزدان سرگردنه و شونیست های هیتلری و چنگیزی تحت نامهای روزشهیید، روزقهرمان، روز جشن هفت و هششت ثور، ده محرم، روز مزاری، روزبیز، روزگاو و سایر روزهای هم مانند.

تحریم و اشتراک نکردن در محافل خوشی (عروسی، شیرینی خوری، تخت جمعی، ختنه سوری و...) و سوگواری جنایتکاران. تحریم و اشتراک نکردن در کمپاین های انتخاباتی، تنظیمی، سمتی، قومی، مذهبی و... با تحریم و تقبیح همچوروزها و محافل می توان از یکطرف انزجار و نفرت خود و مردم را نسبت به جنایتکاران نشان داد و از طرف دیگر عدم حضور ما در همچوروزها و محافل باعث تضعیف صفوف جنایتکاران و حامیان شان می شود.

-تجربید: هموطنان گرانقدر ما می توانند که در محافل خوشی و سوگواری خود از دعوت و اشتراک جنایتکاران جلوگیری کنند حتی اگر جنایتکاران از جمله اعضای خانواده و دوستان نزدیک شان هم باشد. در روزهای عید و نوروز برای آنها هیچ وقع و التفات نگذارند. و ارزش قائل نشوند.

به امید روزی که همه جنایتکاران در محاکمه عدل و انصاف در محضر مردم شریف افغانستان به سزای اعمال شوم شان برسند.

به خاطر یک افغانستان واحد، آزاد، مستقل، مترقی، سربلند و عاری از جنگ و نفاق جدا از تعصبات قومی، سمتی، لسانی، مذهبی و نژادی در مقابل دشمنان داخلی و خارجی، متحد و یک دست شویم.

با عرض حرمت

ش. خ